

سرمقاله

# نامزد وزراء و فلتر رأی اعتماد مجلس

حفيظ الله زكي

از روزی که نامزد وزیران حکومت وحدت ملی به پارلمان معرفی گردیده، بحث تابعیت دوگانه وزراء به یکی از مباحث داغ در مجلس و سایر محافل سیاسی تبدیل شده است.

نمایندگان مجلس پیش از این فیصله کرده بودند که به افرادی که دارای تابعیت دوگانه باشند، رأی ندهند و همین فیصله سبب شد که لیست شش تن از نامزد وزراء دوباره به رییس جمهور فرستاده شود، تا به جای آنها کسان دیگری به مجلس معرفی شود. مساله تابعیت دوگانه در جلسه روز شنبه مجلس جنجال آفرین شد و به برخورد لفظی و فیزیکی نمایندگان انجامید. در محافل سیاسی و رسانه ای کشور هم بحث تابعیت دوگانه از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار می گیرد.

برخی مخالف قرار گرفتن افراد دو تابعیتی در رأس یک اداره مهم دولتی می باشند و طیف دیگری آن را در شرایط موجود افغانستان بدون اشکال می دانند. در کشورهای در حال توسعه الگوهای مختلفی را در رابطه با تابعیت مقامات بلند پایه دولتی می توان مشاهده کرد.

بعضی از کشورها تابعیت دوگانه را مانع رسیدن افراد به بسیاری از پستی ها و مقام های مهم و کلیدی دولتی می دانند که در این رابطه بیشتر مسایل امنیتی را مدنظر قرار می دهند. کشورهایی که محدودی سیاست های درهای بسته را در تعامل با جهان ترجیح می دهند، این محدودیت را به خاطر هراس از نفوذ کشورهای بیگانه در دستگاه دولتی، افشانشدن اسناد محرمانه و سهولت به خدمت گرفتن این گونه اشخاص از سوی کشورهای متبوع، می پذیرند

حتا در برخی از کشورها محدودیت فوق شامل زن و با شوهر افراد نیز می شود. اما در مقابل کشورهایی که دارای سیاست درهای بازتر در مناسبات خارجی خود می باشند، آنها بیشتر از این که روی افراد توجه خود را مبدول بدارند، سعی می کنند یک سیستم پایدار و بانبات و مؤثر را پایه گذاری نمایند. سیستمی که از کارکرد اشخاص و سازمان های فرعی خود را به شدت مراقبت و کنترل می کند و رفتارها و کنش های افراد وابسته به سازمان را به سوی اهداف معین سوق می دهد. در این سیستم امکان کاری، فساد و سوء استفاده بسیار کم و دشوار می باشد. کارکرد سیستم اداری در این گونه کشورها به گونه ای است که بیامد اعمال محرمانه و غیرقانونی در این کشورها برای افراد به حدی زیادتر است که اشخاص به آسانی تن به انجام اعمال محرمانه و غیر قانونی نمی دهند.

حاکمیت قانون و پذیرش هنجارهای اداری و سیاسی در این کشورها نهادینه شده و به یک اصل خدشه ناپذیر تبدیل شده است. تخلف از قانون و هنجارهای حاکم مجازات سخت و شکننده ای را در پی دارد. همین مساله سبب خود ایمتی و ارتقای کارایی نظام اداری در این کشورها گردیده است.

افغانستان، اما از شرایط ویژه و استثنایی برخوردار می باشد که نه بر اساس خود ارادیت سیاسی و امنیتی سیاست های درهای بسته را تعقیب می تواند و نه با پیش گرفتن سیاست های باز از عوارض ناخواسته آن جلوگیری کرده می تواند. سیستم امنیتی و اداری در افغانستان به شدت ضعیف، ناتوان و قانون گریز می باشد. نفوذ در این دستگاهها از سوی حلقات امنیتی کشورهای خارجی و جنا گروه های تروریستی کار دشواری به حساب نمی آید. آنها برای نفوذ در این نهادها لزوما به افرادی دارای تابعیت دوگانه نیاز ندارند، ناگزیری ای و مجبوریت های اشخاص از یک سو و فقدان نظارت، کنترل و بازخواست از اعمال غیر قانونی از سوی دیگر، فضا و زمینه را برای این گونه اعمال خابثانه مساعد ساخته است. از طرف دیگر، داشتن تابعیت کشورهای خارجی برای افغان ها اختیاری نبوده؛ بلکه ناگزیری های جنگ و مهاجرت این پدیده را بر شهروندان کشور تحمیل کرده است.

لذا استدلال این است کسانی که در اثر نجات از آسیب های جنگ به کشورهای خارج پناه برده اند، نباید از حقوق سیاسی شان محروم شوند.

بحث تعهد یک مساله فردی است که به پدیده تابعیت ارتباط زیادی ندارد. بنابراین بحث تابعیت دوگانه نباید در کل به عنوان مانع راه یافتن به مناصب مهم دولتی شناخته شود.

# تابعیت دو گانه؛ ظرفیت یا محدودیت

روح الله هاشمی



این روزها یکی از مباحث جنجال برانگیز و پر سر و صدا در پارلمان و هم چنین فضای رسانه ای، معرفی نامزد وزیرانی است که دارای تابعیت مضاعف و دوگانه اند. برخی معتقد اند، قانون اساسی افغانستان ورود افراد دارای تابعیت مضاعف را به کرسی وزارت ممنوع قرار داده است. در حالی که عده ای دیگر بر این باور اند که تفسیر دسته ی اول از قانون اساسی به لحاظ محتوا و ماهیت نادرست و غیر فنی است. دسته ی اول این اصل قانون اساسی را ناشی از درک درست و نگاه استراتژیک به واقعیت های کشور می داند و دسته دوم اما، ضمن رد برداشت این چنین از قانون اساسی، آن را سد سازی برای بهره برداری از ظرفیت های بهتر و بیشتر می داند. به هر حال در این نوشته تلاش می شود، افزون بر طرح دو دیدگاه فوق، ظرفیت و محدودیت تابعیت دوگانه را بررسی نماید.

دسته ی اول که مخالف ورود افراد دارای تابعیت مضاعف به کابینه حکومت هستند، چنین استدلال دارند که این افراد، تعهد لازم در کار برای مردم افغانستان را ندارند. بر اساس نگرش این دسته، تابعیت بیگانه وابستگی و تعهد خاطر فرد وزیر را به کشور و مردم افزایش داده و از این جهت که شخصی جایی برای پناه گزینی ندارد، زمینه خدمت شایسته و عمل باایسته نیز فراهم می شود. این افراد هم چنین بر این باور اند که آنانی که در جغرافیای افغانستان زندگی کرده اند و در کش و قوس ها و حوادث خوب و بد در گذشته در کنار مردم افغانستان بوده اند، بیشتر و بهتر از درد مردم آگاهی دارند و همین امر سبب خواهد شد که تأثیر گذاری آنان بر امرهای مهم و حیاتی کشور را در نظر بگیرند. هم چنین این افراد تأکید می کنند، تعهد آدم ها وطن را از حق قانونی و بدیهی اش مستح محرومیت افراد دو تابعیتی مطرح نمی کند، بلکه تأکید بر این دارد که در این صورت آنانی که از بیرون می آیند با تحمل به سرنوشت وخیم انسان افغانی و غرقاب کنونی کشور و مقایسه ی آن با کشورهای دیگر، انگیزه ی خدمت بیشتر برایشان خلق می شود.

حقیقت این است که تفاوت صرف بر مبنای تابعیت افراد و نفی آنانی که دارای تابعیت مضاعف اند، امری به دور از منطق و ناشی از گونه نظری است. در جهان جهانی شده ی کنونی، که مرزها دیگر هویت آدم ها را شکل نمی بخشد و معیارهای جدیدی برای دسته بندی تعهد آدم ها پدید آمده است، انکای صرف به تابعیت جغرافیایی امری واهی به نظر می رسد. همه می دانیم که افغانستان

نکرده اند، که از چنین امری به عنوان یک ظرفیت برتر نتواند استفاده کند. تجربه که بی تردید یکی از پیشرفته ترین کشورهای اسلامی است و در همه حوزه ها به شاخصی برای سایر کشورهای اسلامی تبدیل شده است، کاهش زیادی از نیروی متخصص و اثر بخش خود را از میان افراد دارای تابعیت مضاعف برگزیده است. مهم ترین این که این کشور برای پیشبرد و ثمر بخشی بیشتر کارها و مدیریت موقعیت های مهم و تعیین کننده، از متخصصین خود در بیرون کشور، دعوت و گاه مزایای بیشتری نیز به آنان واگذار می نماید.

چکیده این که افغانستان باید اکنون شالوده های عصر جدید را به خوبی در یابد. تکیه صرف به تابعیت افراد و تمرکز به لغو تابعیت افراد و تمرکز به لغو تابعیت دوگانه و بسا گزینش افراد دارای تابعیت یگانه: امروزه به نفس خود نه فرصت سوز است و

آورد و آنان را نسبت به آینده ی کشور مایوس خواهد ساخت. نکته ی دیگر این که بهتر است به جای داشتن تابعیت به عوامل و مولفه های دیگر تمرکز صورت گیرد. به طور مثال بهتر است به تعهد افراد، پیشینه ی کاری، توانایی و مهارت فکری و تخصصی افراد توجه شود. افرادی که دارای تابعیت یگانه نیز باشند، ولی فاقد توانایی های فوق باشد، ظرفیت ها و فرصت های لازم را به رایگان از دست خواهند داد. از این رو فقر اندیشه و تخصص دارای اثرات طولانی و مداوم خواهد بود و این گونه زمینه های کاهش کیفیت بیش از پیش فراهم خواهد شد. جدای از کشورهای جهان اول غربی و شرقی: بسیاری از کشورهای اسلامی نیز با درک و درایت از ظرفیت نیروی انسانی کار آمد و متخصص، نه تنها به لحاظ قانونی مانعی برای ورود افراد دارای تابعیت مضاعف ایجاد

# دولت و فقدان سیاست محیط زیستی

علی قادری

مختلف دیگر نیازمند صرف هزینه زیاد برای حل مسئله محیط زیست خواهد شد.

دولت با کار های فرهنگی و آگاهی دهی به شهروندان می تواند از آلودگی بیشتر محیط زیست جلوگیری نماید. زیرا بخش زیاد مسئله مربوط به شهروندان و چگونگی استفاده آن ها از منابع طبیعی و محصولات تولیدی است. با رشد شهرنشینی فرهنگ شهر نشینی را نیز میسر می نماید. این مهم را دولت می تواند از طریق نهاد های آموزشی و دینی انجام دهد. به عنوان مثال دولت می تواند مسائل محیط

دست ندارد. با توجه به افزایش شهر نشینی، توسعه یافتگی و استفاده زیاد از منابع طبیعی به نظر می رسد که در آینده نزدیک کابل با فاجعه انسانی رو پیر خواهد شد. از این جهت لازم است که مسئله امید به زندگی و مسائل محیط زیستی را جدی گرفت. مسئله محیط زیست در افغانستان جدید است. تعدادی زیادی از شهروندان و حتی نخبگان سیاسی دغدغه و با آگاهی از محیط زیست خود دارند. برای همین است که هیچ گروه و حزب سیاسی برنامه ای محیط زیستی برای شهروندان ارائه نمی کند. فقدان برنامه های محیط زیستی از سوی گروه های مختلف سیاسی یا نگر موضوعیت نداشتن محیط زیست در افغانستان می باشد. بی توجهی نسبت به محیط زیست نگران کننده است. دولت به خاطر چندین مسئله باید برنامه ها و سیاست گذاری های به منظور حفظ محیط زیست در دست بگیرد. اول اینکه میزان امید به زندگی « در افغانستان بسیار پایین است و یکی از علت های آن محیط زیست آلوده می باشد. دوم اینکه شهرنشینی در افغانستان گسترش می یابد. رشد شهرنشینی همراه است با تولید زیاده های آتیه که باعث آلودگی محیط زیست می شود. سوم اینکه افغانستان جزء کشور های در حال توسعه است. توسعه یافتگی نیازمند استفاده از منابع طبیعی بدون شک آلودگی محیطی را در پی خواهد داشت. در این نوشتار تلاش می شود که رابطه شهرنشینی، توسعه یافتگی و امید به زندگی را با مسئله محیط زیست مورد بررسی قرار دهد.

خوبی از شهر های دیگر نسبت به سال ۲۰۰۰ میلادی رشد شهرنشینی همراه است با افزایش ماشین ها، افزایش استفاده از پلاستیک، از بین بردن محیط زیست به خاطر ساخت خانه های مسکونی، تجاری و سازمان های دولتی و غیر دولتی. بنابراین شهر نشینی سبب آلودگی محیط زیست می شود. اما این مسئله را می شود با سیاست گذاری ها و پلان های دراز مدت و کوتاه مدت حل کرد. به طور مثال: به میزان که شهر ها رشد می کند و استفاده از ماشین ها زیاد می شود دولت ها می توانند به همان میزان فضای سبز مانند پارک ها را ایجاد نمایند. یا از طریق

بالاتر امید به زندگی بیاتر شکل گیری «دولت رفاه» در آن کشور است. امید به زندگی رابطه مستقیم با محیط زیست سالم دارد. یعنی در کشور های که محیط زیست از آلودگی حفظ شده است میزان امید به زندگی بالا است. حفظ محیط زیست از کاربوته های اساسی دولت است. زیرا دولت به موضوعات و مسائل عمومی می پردازد و محیط زیست یک مسئله عمومی است. برای همین دولت باید برنامه و سیاست های برای حفظ محیط زیست در دست بگیرد. حفظ فضای های سبز، کاهش تولید پلاستیک های غیر قابل بازیافت، عدم استفاده

زیستی را در پشت جلد تمام مضامین درسی مکتب درج نماید. در کنار آن دولت می تواند در کتاب های چون بیولوژی، کیمیا و فیزیک مسائل مربوط به محیط زیست را بگنجانند تا شاگردان به صورت رسمی آن را بیاموزد. از طرف دیگر جامعه افغانستان یک جامعه سنتی می باشد و نهاد های دینی می توانند نقش برجسته در آگاهی دهی و حفظ محیط زیست داشته باشند. زیرا شهروندان با نهاد های دینی همیشه در ارتباط می باشد.

بنابراین مسئله آلودگی محیط زیست یک مسئله جدی است. با امید به زندگی ما بیونند دارد. با شهرنشینی و توسعه یافتگی آلودگی بیشتر می گردد. تا زمانی که دولت با برنامه و سیاست گذاری به حفظ محیط زیست نپردازد آلودگی آن ممکن است در آینده خطری جدی برای زندگی شهروندان به وجود آورد.

از بنزین های سرب دار و خیلی از مسائل دیگر می تواند سوزهای برنامه ریزی و سیاست گذاری دولت باشد. اما دولت متأسفانه تا هنوز هیچ گونه برنامه ای در هیچ یک از موضوعات مطرح شده ندارد. بنابراین انتظار نمی رود که به این میزان امید به زندگی افزایش یابد. آلودگی محیط زیست به خاطر رشد شهرنشینی در افغانستان افزایش می یابد. بعد از سال ۲۰۰۱ میلادی میزان رشد شهر ها چشم گیر بوده است. رشد شهر نشینی زمانی رخ می دهد که شمار انبوهی از مردم، مناطق روستایی کشور را رها کنند و سکونتگاههای شهری را برای زندگی شان بر پا کنند. رهایی روستا ها به خاطر نبود کار، تأمین نشدن معیشت از طریق کشت زمین، خشک سالی ها و کمبود خدمات دولت صورت می گیرد. در افغانستان شهر های چون کابل، مزار، هرات، قندهار و

به سیاست های محیط زیستی احزاب و گروه های مختلف رای می دهند. میان امید به زندگی و محیط زیست سالم بیونند وجود دارد. یکی از علت های بالا رفتن امید به زندگی محیط زیست سالم می باشد. زمستان ها: هوایی کابل غیر قابل تحمل می شود. برف و یخبندان باران نعمت است که هوایی کابل را برای چند روز یا چند ساعت پاک می کند. با وجود این، دولت هیچ گونه برنامه و پالسی مشخص برای جلوگیری از آلودگی بیشتر هوا در کابل و دیگر شهر های افغانستان روی

روزنامه افغانسان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله بیاتر دیدگاه روزنامه افغانسان میباشد.

روزنامه افغانسان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانسان است.

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسؤول: محمد رضا هویدا  
سرمدیر: حفيظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده  
دبیر: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: محمد علی پورامی  
آدرس: کابل، شهر ک امید سبز، فلز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۲۷



افغانستان  
The Daily Afghanistan  
Outlook  
AFGHANISTAN  
The Lead by the Head & the Heart